

# سواد میان‌کنشی: قدم زدن در آشفته بازار<sup>۱</sup>

## سوزی آندرتا<sup>۲</sup>

مترجم:

مجید نبوی

دانشجوی کارشناسی ارشد کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تهران  
m.nabavi@ut.ac.ir

### چکیده

در این مقاله ما به بررسی مفهوم "سواد میان‌کنشی" می‌پردازیم. به نظر پرفسور توماس<sup>۳</sup> "یک رویکرد واحد در قرن ۲۱ در مورد مفهوم سواد وجود دارد که در بردارنده توانایی خواندن، نوشتن و برقراری تعامل به وسیله گستره‌ای از تمهیدات، ابزارها و رسانه‌های مکتوب و شفاهی و از طریق دست نوشته، آثار چاپی، تلویزیون، رادیو و فیلم گرفته تا شبکه‌های اجتماعی رقومی است."

امروزه سواد میان‌کنشی در حوزه رشته‌های ارتباطات و مطالعات فرهنگی قرار دارد و این مقاله بر آن است که سواد میان‌کنشی را در حوزه حرفه‌ای کتابداران "دست‌اندرکار" و در حوزه کتابخانه‌ها بگنجانند. همچنین این هدف را نیز داریم که پیشوند «ترانس»<sup>۴</sup> را در معنای "حرکت در عرض سوادها" و همچنین در معنای "فراسوی سواد معمول رفتن" بررسی کنیم تا معنای ضمنی که حاصل این دو نمود سواد میان‌کنشی برای متخصصان اطلاعات و کتابخانه‌های قرن

1. Transliteracy: take a walk on the wild side  
4. Thomas

2. Susie Andretta

5. trans

۲۱ است را ارزیابی کنیم. نمونه‌ای از فعالیت‌های مرتبط با سواد میان‌کنشی که توسط متخصصان اطلاعات انجام می‌شوند شواهدی مبنی بر مواجهه امروزی کتابخانه‌ها با چالش‌های سواد میان‌کنشی که از طریق درنوردیدن مرز بین دنیا‌های چاپی، مجازی و رقومی برای پرداختن به نیازهای دائماً در حال تغییر یادگیران تحت حمایت خود، انجام می‌شود، را ارائه می‌کنند.

#### مقدمه

جست‌وجوی کلمه "سواد میان‌کنشی" در متون، مبین دو چیز است "نخست آن که این اصطلاح بازتاب همگرایی تعدادی از رشته‌های دانشگاهی مانند زبان انگلیسی، ارتباطات، مطالعات فرهنگی و مطالعات رسانه‌های جدید است، و دوم اینکه پژوهش در زمینه سواد میان‌کنشی در ابتدا با تعامل بین مردم، آموزندگان و فن‌آوری‌های شبکه‌سازی اجتماعی در ارتباط است.

هدف این مقاله "بررسی" سواد میان‌کنشی از منظر متخصصان اطلاعات که در حال پرداختن به آن هستند می‌باشد. در این راستا ما از تعریف سواد میان‌کنشی که به وسیله پرفسور سو توماس<sup>۱</sup> ارائه شده و محصول پروژه ایشان با عنوان پارت<sup>۲</sup> (تولید و پژوهش در باب سواد میان‌کنشی) در دانشگاه دمن‌فورت<sup>۳</sup> که به وسیله پروژه پرفسور لیو<sup>۴</sup> در باب سواد میان‌کنشی که در دانشگاه کالیفرنیا واقع در سانتا باربارا<sup>۵</sup> اشاعه پیدا کرد، استفاده می‌کنیم.

سواد میان‌کنشی اشاعه‌دهنده مفهوم جدیدی از سواد است که در آن توانایی خواندن و نوشتن که در ارتباط با سواد متنی است به وسیله تسلط بر سایر انواع رسانه‌ها که تحت عنوان "سواد چندرسانه‌ای" از آن یاد

1. Sue Thomas

2. PART(Production and Research in Transliteracy)

3. DeMonfort University

4. Liu

5. University of California, Santa Barbara

شده است تکمیل می‌شود (فیلیپسون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸). ادعاهای دالی<sup>۲</sup> در باب سواد و زبان در این زمینه مناسب بررسی است چرا که این ادعاها به صورتی دقیق درک مشترک سواد را بررسی کرده و در نتیجه برخی از جنبه‌های ارتباط بین سواد متنی و چندرسانه‌ای که به‌وسیله سواد میان‌کنشی اشاعه می‌شود را روشن می‌کنند. قبل از همه دالی یک دیدگاه مشترک درباره سواد را که به صورت "توانایی خواندن و نوشتن، فهمیدن اطلاعات و بیان ایده‌ها به صورت انتزاعی و ملموس" تعریف می‌شود، مطرح می‌کند (دالی، ۲۰۰۳: ۳۳). این تعریف مبین سوگیری ذاتی ما در قبال سواد متنی است که در تعریف ما از زبان تکرار می‌شود. [...] و به ما کمک می‌کند که ایده‌ها را مفهومی کرده و اطلاعات را ارزیابی کنیم و دانش را دریافت و تسهیم کنیم. [...] زبان، کلمات را معنا می‌کند.

دالی معتقد است که چاپ، بحث‌های خطی و یک بعدی را پشتیبانی می‌کند، در حالی که چند رسانه‌ای‌ها فرایندی است که تعاملی بودن را ترویج می‌کنند چون می‌توانند نقطه نظرات چندگانه را نشان دهند و این کار را به‌وسیله توانمند کردن بیننده یا خواننده یا کاربر در اشتراک مستقیم در ساختن معنا عملی نمایند.

در این تعریف به صورت تلویحی از مفهوم چندرسانه‌ای برای اشاره به فرایند ارتباط به عنوان معنایی که با سایر بینندگان یا خوانندگان یا کاربران به اشتراک گذاشته می‌شود استفاده شده است. فردی را که به‌خاطر نتیجه‌گیری سریع این دو نوع سواد که یکی با متن و دیگری با چند رسانه‌ای‌ها سر و کار دارند ناسازگار می‌داند باید بخشید؛ با این وجود، این همان مسئله‌ای نیست که لپینکات<sup>۳</sup> در مورد آن معتقد است که "همگرایی بین سوادها" وجود دارد (لپینکات ۲۰۰۷، ۱۷). زمانی که افراد از مشتریان صرف اطلاعات به تولیدکنندگان مفهوم ارتقاء می‌یابند مرزهای بین سواد رسانه‌ای، سواد رقومی، و سواد فناوری محو می‌شوند.

1. Philipson

2. Daley

3. Lippincott

دیدگاه مشابهی توسط طرفداران سواد میان‌کنشی ارائه می‌شود به این صورت است که آن‌ها پیشنهاد می‌کنند "[...] تغییر در رویکردها باید بدور از جدال بر سر آثار چاپی و رقومی صورت گرفته و در راستای یکپارچه‌سازی بوم شناختی نه تنها رسانه‌ها بلکه تمامی سواد‌های مرتبط با خواندن، نوشتن، تعامل و فرهنگ، در گذشته و حال گام برداریم" (توماس و دیگران ۲۰۰۷). دو نکته اساسی که اینجا باید به آن تأکید شود این است که طرفداران سواد میان‌کنشی عناصری از سواد میان‌کنشی را مشخص می‌کنند که بر روی عمل متخصصان اطلاعات مؤثرند که این امر در بخش بعد مورد بررسی قرار گرفته است. پیش از هر چیز سواد میان‌کنشی مفهومی کلی است و به فعالیت‌های اشتراکی وابسته است. توماس و دیگران (۲۰۰۷) توضیح می‌دهند که رفتار جست‌وجوی ما با ظهور تابلوهای پیام و اتاق‌های گفت‌وگو تغییر کرده است در حالی که در محیط قبل از اینترنت ما از منابع اطلاعاتی مانند دایره‌المعارف‌ها، نمایه‌نامه‌ها، و فهرست‌ها کمک می‌گرفتیم. امروزه به فن‌آوری‌های شبکه‌سازی اجتماعی تکیه می‌کنیم تا "از هر فرد دیگری در مورد مسائل بهداشتی، مسایل اخلاقی و یا غذای شام پیشنهاد بگیریم. ما این پاسخ‌ها را به اشتراک می‌گذاریم و در مورد آن‌ها دقت می‌کنیم و در ادامه آن‌ها را جمع می‌کنیم تا افرادی که ما آن‌ها را نمی‌شناسیم از آن‌ها استفاده نمایند" (توماس و دیگران ۲۰۰۷). به‌علاوه سواد میان‌کنشی نیازمند ویژگی انعطاف‌پذیری و میل به پذیرفتن اعمال نوآورانه می‌باشد. این بحث براساس این عقیده استوار است که زمانی که فن‌آوری‌های جدید "کاربست‌های جدید فرایندهای تثبیت شده" را به دنبال دارند (توماس و دیگران ۲۰۰۷). مهارت‌های بنیادی مورد نیاز برای انجام این فرایندها نیز نیازمند به روز شدن هستند. متخصصان اطلاع‌رسانی که در راستای هدف این مقاله مورد مصاحبه قرار گرفتند به این نتیجه مشابه رسیدند که همان‌طور که ظهور فن‌آوری‌های جدید شبکه‌سازی اجتماعی را در ارتباط

با فرایند سواد میان‌کنشی مطرح می‌کنند به همان اندازه انگیزه اصلی پشت انتخاب حالت اشتراکی و منعطف را نیز با سواد میان‌کنشی مرتبط می‌دانند. سواد میان‌کنشی اصطلاحی است که سوادهای مختلف و کانال‌های ارتباطی گوناگون را که مستلزم اشتراک فعالانه با و از طریق گستره‌ای از این تمهیدات است زیر چتر خود گرفته و هر دو شکل پیام‌های خطی و غیرخطی را دربر می‌گیرد. به نظر من هنگامی که با استفاده از رسانه نوشتاری کاملاً در صدد انتقال عکس‌العمل‌های خود در باب سواد میان‌کنشی هستم چگونگی این انتقال برای من بخشی از یک معماست. در جهت استفاده از یک استعاره تصویری، به‌عنوان راهی برای خنثی کردن این تفصیل، می‌توان گفت نوشتن یک مقاله در مورد سواد میان‌کنشی شبیه شرح یک واقعیت سه‌بعدی با استفاده از یک واقعیت دوبعدی است. که یکی از نتایج آن این است که برخی از معانی آن مسلماً در این حرف‌نویسی از میان خواهد رفت. توجه داشته باشید، من در صدد ارائه تفسیر عمیق‌تری از سواد میان‌کنشی در گفتارم هستم اگرچه در راستای هدف این مقاله مصاحبه با متخصصان اطلاع‌رسانی که به دنبال این معرفی می‌آیند با استفاده از روایت خطی لازم، مورد تحلیل قرار گرفته است.

### سواد میان‌کنشی و دنیای کتابخانه

در آماده‌سازی این مقاله من با چهار متخصص اطلاع‌رسانی مصاحبه کردم تا مروری از درک سواد میان‌کنشی در میان این جوامع مختلف متشکل از متخصصین اطلاع‌رسانی، ارائه دهم. این متخصصین متشکل از عضوی از رشته کتابداری و اطلاع‌رسانی، یک کتابدار دانشگاهی که با دست‌اندرکاران انفورماتیک روان‌پزشکی و بهداشت در ارتباط است، یک کمک کتابدار از بخش بهداشت و یک مدیر محتوا، که در بخش عمومی کار می‌کند، می‌باشند. مصاحبه‌ها سه هدف زیر را دنبال می‌کردند: اول:

تعیین سطح آگاهی‌های پاسخگویان از سواد میان‌کنشی و آزمون فرضیه اصلی من مبنی بر این‌که آیا متخصصان اطلاع‌رسانی سواد میان‌کنشی را در عمل خود پیاده کرده‌اند. دوم تعیین حدی که پاسخگویان در ارائه سواد میان‌کنشی دخیلند که با استفاده از نمونه‌هایی از فعالیت‌های مرتبط با سواد میان‌کنشی و بافتی که این فعالیت‌ها به انجام می‌رسند، نشان داده می‌شود. تعریفی که در قسمت مقدمه این مقاله ارائه شد به عنوان مرجع مشترک در نظر گرفته شد تا پاسخگویان بتوانند سواد میان‌کنشی را "جایابی در میان سوادها" و یا "بالا رفتن از سطح سواد معمول" و یا ترکیبی از این دو تفسیر نمایند. سوم این‌که این مصاحبه‌ها بر تأثیر فعالیت مرتبط با سواد میان‌کنشی بر روی کار حرفه‌ای متخصصان مورد مصاحبه و کتابخانه‌ای که آن‌ها در آن‌جا مشغول بودند تمرکز می‌کند. در صورت کمبود فعالیت سواد میان‌کنشی سؤالات جایگزین برای بررسی علل و چالش‌هایی که موجب ناآشنایی با این مفهوم شده‌اند، استفاده شدند. تمامی پاسخگویان موافقت کردند که هویت آن‌ها آشکار شود به این خاطر که با توجه به ماهیت این مقاله، قصد داشتم هویت آن‌ها را افشا کنم تا نمونه‌هایی از فعالیت‌های مربوط به سواد میان‌کنشی را که آن‌ها می‌توانستند ارائه کنند، معرفی کنم یا چالش‌هایی را که آن‌ها در فقدان ارائه سواد میان‌کنشی با آن‌ها روبرو هستند بررسی نمایم. آنچه در مورد این چهار نفر ارائه شده شامل یک زندگینامه حرفه‌ای کوتاه به منظور معرفی دیدگاه پاسخگویان در مورد سواد میان‌کنشی است که با بیان سطح آگاهی افراد از سواد میان‌کنشی ادامه پیدا می‌کند. نمونه‌هایی از فعالیت مربوط به سواد میان‌کنشی یا جزئیات چالش‌هایی که مانع این فعالیت‌ها می‌شوند ارائه شده و در صورت کاربردی بودن تأثیر این فعالیت‌ها بر کار آن‌ها و همچنین کتابخانه‌ای که در آن مشغولند، ارزیابی شده است. ادعاهایی که در این مقاله مطرحند از بخش‌های مصاحبه‌ها که با حروف شکسته نوشته شده‌اند، استخراج شده‌اند.

### مایکل استفن<sup>۱</sup> - مدرس کتابداری و اطلاع‌رسانی

مایکل استادیار دانشکده تحصیلات تکمیلی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی در دانشگاه دومینکن<sup>۲</sup> واقع در دیور فارست ایلینویز<sup>۳</sup> است؛ یعنی همان جایی که وی تعدادی از واحدهای مربوط به فن‌آوری‌های وب<sup>۴</sup> را ارائه می‌کند. کار وبلاگ‌نویسی ایشان در سال ۲۰۰۳ شروع شد. در این زمان وی نوشتن وبلاگ "وب را رام کن" که به کتابخانه، فن‌آوری و مردم و تعامل سحرآمیز بین این سه می‌پردازد، شروع کرد. زمانی که از ایشان سؤال شد که آیا در مورد سواد میان‌کنشی شنیده‌اند یا نه؟ مایکل جواب داد که با این اصطلاح تا قبل از این مصاحبه آشنا نبوده است. اما همین که او به صورت کامل با تعریفی که من به او ارائه کردم توجیه شد آن را با تجربه حرفه‌ای خود در مورد "جایجایی بسیار ساده در عرض ابزارها و رسانه‌ها" در آمیخت و از آن وقت او از این اصطلاح برای توصیف فعالیت‌های حرفه‌ای خود استفاده کرد. از نظر او کتابخانه‌ها باید در کارکردهای میان‌کنشی شرکت کنند. که وی آن را به صورت "ارتباطات تعاملی در خلال سطوح چندگانه" توصیف می‌کند. این نظر در نقطه مقابل کتابخانه‌ها و مؤسسه‌ای است که برای توجیه کمبود اشتراک در نوآوری‌های سواد میان‌کنشی از رویکرد "ما این کار را همیشه این‌گونه انجام داده ایم" استفاده می‌کنند، قرار دارد.

نظر مایکل در مورد سواد میان‌کنشی در فعالیت دانشجویان او که به عنوان "بومیان دیجیتالی که از راه‌های گوناگون بهره می‌گیرند تا از یک [رسانه] به رسانه دیگر ارتباط برقرار کنند، شناخته می‌شوند"، نمودار است. با این وجود او اقرار می‌کند که دانشجویانی وجود دارند که بعد از این که صاحب یک شغل در کتابخانه می‌شوند دوباره به عرصه مطالعه بازمی‌گردند این مسأله جای شگفتی ندارد زیرا زمانی که کتابخانه در

1. Michael Stephens  
3. River Forest, Illinois

2. Dominican University  
4. Web2.0

حال بکارگیری فن‌آوری وب ۲ است، راحت خاطر کمتری دارند. [و فقط به خاطر این که نمی‌دانند چگونه شروع کنند]

تجربه مایکل در زمینه سواد میان‌کنشی در کار دانشگاهی او بارز است. برای مثال در سال ۲۰۰۷ او دوره‌ای را در زمینه کتابخانه<sup>۱</sup> و فن‌آوری شبکه‌سازی اجتماعی یا فن‌آوری‌های نوظهور در کتابخانه‌ها طراحی کرد که به‌طور ویژه روی یکپارچه ساختن این فن‌آوری‌ها و خدمات کتابخانه‌ای تمرکز می‌کند. در سال ۲۰۰۹ توئیتر<sup>۲</sup> یکی از علایق ویژه کلاس بود<sup>۳</sup> [..] به خاطر این که من فکر می‌کنم توئیتر یکی از ابزارهای روز است. و من فکر می‌کنم که واقعاً آنچه را که شما در پی آن هستید [مانند سواد میان‌کنشی] جلو چشمان شما روشن می‌کند. بسیار ساده است که پیوندی در یک وبلاگ یا وبسایت یا یک ویدئو از یوتوب<sup>۴</sup> یا عکسی از فلیکر<sup>۵</sup> گنجانید و شما در خلال همه آن‌ها با توئیتر جابجا می‌شوید. من فکر می‌کنم که روش خوبی است که به این ساختار از منظر رسانه‌های مختلف بنگریم. ما کار کلاسی با توئیتر انجام دادیم، ما در مورد کلاس از طریق توئیتر تصمیم گرفتیم. ضمن ارائه‌های گروهی دو هفته پیش یک کانال پشتی داشتیم که در آن موقع دانشجویان ارائه‌های خود را به محض اتفاق افتادن موضوعات بحث، ارائه می‌کردند و بعضی از مردم می‌گفتند که این فوق‌العاده است و من قبلاً هرگز در این مورد فکر نکرده‌ام". تمامی پتانسیل‌های فن‌آوری‌های وب ۲ در دوره‌های مایکل مورد استفاده قرار می‌گیرند و بسیار مهم‌تر این که این رهیافت تجربه یادگیری دانشجویان را بهبود می‌بخشد. "فرصت تجربه چیزهایی که به خودی خود می‌تواند کانالی باشد و پتانسیل آن برای یادگیری و پرسیدن سؤالات و به نظر من برای تفکر با صدای بلند، به طرز شگفت‌انگیزی ارزشمند است [..] اینجا همان جایی است که این

1. Library 2.0  
4. flickr

2. Twitter

3. Youtube



مفهوم شگفت‌انگیز ارتباطی به میان می‌آید. به دانشجویان، سواد میان‌کنشی و این حقیقت که آن‌ها می‌توانند در خلال کانال‌های مختلف بدون هیچ نگرانی جابجا شوند آموزش داده می‌شود.<sup>۱</sup>

زیربنای کار دانشگاهی مایکل، باور قوی به این عقیده است که مسئولیت اوست که دانشجویان را با توانایی‌های مناسب در زمینه فن‌آوری‌های ارتباطی و اجتماعی مجهز نماید و آن‌ها را قادر نماید تا راه‌های نوآورانه‌ای در زمینه تعامل با کاربران کتابخانه، در زمانی که کتابداران واجد شرایطی شدند، به کار گیرند. در این زمینه مایکل وضعیت "توان انجام" که با پدیده سواد میان‌کنشی در ارتباط است را ترویج می‌کند: "دانشجویان من باید قادر باشند که در لابلای سوادها و کانال‌های گوناگون جابجا شوند و از آن‌ها استفاده نمایند. و نگویند "من قبلاً در مورد آن نشنیده‌ام یا من نمی‌دانم که چگونه کار می‌کند. شما می‌توانید آن را کشف کنید چون شما کانال‌ها و سوادها و تمهیداتی را که مربوط به گذشته بوده‌اند، تجربه کرده‌اید". رویکرد روش او برای مقابله با خطر بی‌توجهی و بی‌اعتنایی به فرصت‌هایی است که از طریق فن‌آوری‌های شبکه‌سازی‌های اجتماعی مانند توییتر و فیس‌بوک<sup>۱</sup> ارائه می‌شوند. فرد می‌تواند محرکی را که مایکل در پشت این عمل برای حمایت از سواد میان‌کنشی ایجاد می‌کند، از طریق موادی که منتشر می‌کند و در آن‌ها از یکپارچه‌سازی ارزش‌های اساسی و مأموریت کتابخانه از رویکرد جدید حمایت می‌کند، مشاهده نماید.

مایکل در قبال پنداشت فن‌آوری‌های وب ۲ به عنوان دارویی برای درمان تمام چالش‌هایی که کتابخانه با آن‌ها روبروست و بکارگیری آن‌ها در صورتی که طرح‌ریزی دقیق، پوشش محیطی از چشم‌اندازهای جاری، و یک نقشه راه کامل برای آموزش، خرید و ارزیابی را انجام نداده‌ایم، هشدار می‌دهد (استفن ۲۰۰۸). در عوض او استراتژی‌هایی را برای

1. Facebook

پرداختن به چالش‌هایی که با تغییرات سریع در عرصه فن‌آوری مقارن هستند، پیشنهاد می‌کند. در میان این استراتژی‌ها، مایکل از شناسایی گروه مشخصی از اولویت‌ها برای مشخص کردن فناوری‌های وب ۲ که متناسب با نیازهای سازمان به‌طور کل بوده و با پیاده کردن برنامه یادگیری ۲ در سطح سازمانی تکمیل می‌شوند، حمایت می‌کند. عنصر اصلی در اینجا این است که کارمندان سطح بالا نیز باید در برنامه شرکت نمایند. این همان چیزی است که مایکل تحت عنوان "حمایت" از آن یاد می‌کند، اطمینان از این که پیام مثبت است و به‌وسیله شواهدی در مورد آنچه که می‌تواند به‌وسیله کتابخانه و در نتیجه یک برنامه اشتراکی از این نوع حاصل شود، پشتیبانی می‌شود.

برای نتیجه‌گیری، مایکل سه بخش را مشخص می‌کند که در آن‌ها او تأثیر روشن سواد میان‌کنشی را مشاهده کرده است. از نقطه نظر حرفه‌ای، او ادعا می‌کند که ورود به عرصه وبلاگ در سال ۲۰۰۳ نقطه شروع شغل پژوهشی او بود که در دوره دکتری در زمینه "مدل‌سازی برای وبلاگ‌نویسی در کتابداری" به اوج رسید و سرانجام به کسب یک منصب دانشگاهی در دانشگاه دومینکن منجر شد. همچنین این زمینه نقطه آغازی برای گفت‌وگوی حرفه‌ای با جامعه کتابخانه در مورد استفاده کامل از فایده‌های فن‌آوری‌های شبکه‌سازی اجتماعی را مشخص کرد. او همچنین در مورد اثری که دوره آموزشی او روی دانشجویانش گذاشته توضیح می‌دهد و عقیده دارد "تجربه کردن فناوری‌های وب ۲، آگاهی‌های آن‌ها را در مورد نحوه مشارکت کتابخانه‌ها در برخی از این شبکه‌ها گسترش داده که این خود منجر به درک چگونگی استفاده مردم از کتابخانه می‌شود." این نکته به این ادعا منجر می‌شود که سواد میان‌کنشی تأثیرات سودمندی روی کتابخانه به عنوان یک کل دارد. "اگر شما کارمندی دارید که سواد میان‌کنشی را می‌فهمد یا آن را به‌کار می‌گیرد شما این پتانسیل را دارید که [...] خدماتی ایجاد کنید و در بحث

گسترده‌تری در مورد کتابخانه‌ها شرکت کنید [...] یا شاید کنترل کنید که کتابخانه چگونه در وبلاگ‌ها و در توتر و یا هر وب‌گاه مروری مورد بحث قرار می‌گیرد و با واکنش نشان دادن، شما به هر یک از آن کانال‌ها وارد می‌شوید. به نظر من شما در حال بهبود بخشیدن و وضعیت یا جایگاهی هستید که یک کتابخانه در جامعه می‌تواند داشته باشد. اعم از این که یک کتابخانه عمومی و یا یک کتابخانه دانشگاهی و ... باشد."

### برنات د سوانسون<sup>۱</sup> - کتابدار دانشگاهی

برنات د سوانسون یک کتابدار مرجع آموزشگر و امدادی است که با برنامه‌های انفورماتیک بهداشت در مرکز درمانی یوسی دیویس<sup>۲</sup> و دپارتمان روان‌پزشکی در دانشگاه کالیفرنیا<sup>۳</sup> در ارتباط است. در پاییز سال ۲۰۰۶ او در اثر مطالب ارائه شده توسط پیتر یلویلیز<sup>۴</sup> از اعضای دانشکده یو. سی. دی. ام. سی. در مورد تحقیقات خود در مورد اسکیزوفرنی<sup>۵</sup> و پروژه‌ای در مورد "زندگانی دوم"<sup>۶</sup> تحت عنوان "توهم مجازی"<sup>۷</sup> به زندگانی دوم علاقمند شد (یلویلیس و کوک<sup>۸</sup> ۲۰۰۶). از آن موقع او روی کارهایی که کتابداران و آموزشگران در این دنیای مجازی انجام می‌دهند کار می‌کند و کلاس‌های آموزشی مداوم و متنوعی را در دانشکده تحصیلات تکمیلی علم اطلاع‌رسانی یو. آی. یو. سی.<sup>۹</sup> در محیط زندگی دوم در مورد کنترل دوربین، روندکار پویا نمایی مکانیکی<sup>۱۰</sup> برای آن دسته از خوانندگانی که با این اصطلاح آشنایی ندارند رونق داده است. پویانمایی مکانیکی به صورت "فیلم‌سازی انیمیشن در محیط سه‌بعدی

1. Bernadette Daley Swanson

3. University of California(UC)

5. Schizophrenia

7. Virtual Hallucinations

8. Yellowees, P.M. and Cook, J.N. 'education about Hallucinations Using an internet Virtual Reality system: A Qualitative Survey'. Academic Psychiatry, 2006 Nov-Decm, 30(6):534-9.

9. UIUC

2. UC Davis Medical Center(UCDMC)

4. Peter Yellowees

6. Second life

10. Camera controls and machinima workflow

مجازی فوری" تعریف می‌شود (دالی سوانسون ۲۰۰۷) و روند کار به مراحل مختلف تولید پویا نمایی مکانیکی اشاره دارد. در اوقات معمولی‌تر زندگی حرفه‌ای وی، او وقت خود را با حضور در مسئولیت‌های سنتی مانند پاسخگویی به سؤالات جهت‌دار<sup>۱</sup>، اطلاعاتی، و مرجع سپری می‌کند (رودرو و از طریق پست الکترونیک و گفت‌وگوی مرجع)، کتاب‌ها را از دانشجویان پس می‌گیرد و از امانت خارج می‌کند و با برگزاری جلسات معرفی کتابخانه برای آشنا کردن دانشجویان با مجموعه‌ها و پایگاه‌های مربوط به علوم سلامت که دانشگاه مشترک است و در قالب‌های الکترونیک و چاپی به منظور پژوهش به کار می‌روند و همچنین در مورد به کارگیری نرم‌افزار مدیریت کتابشناختی مناسب مانند ایندنت<sup>۲</sup> به منظور پشتیبانی از فعالیت‌های استنادی و ارجاعی در کارهای دانشگاهی دانشجویان، می‌گذراند.

در آغاز مصاحبه برنات توضیح داد که سؤال کردن در مورد این‌که چگونه وی با سواد میان‌کنشی در زندگی حرفه‌ای خود برخورد کرده است سؤال سختی برای پاسخ دادن است. "من احساس می‌کنم که پاسخ من مناسب نیست چرا که ممکن است برخی از این موارد (مانند سواد میان‌کنشی) را به کار برده باشم، ولی آن را در کار تخصصی انجام نمی‌دهم. من با اصطلاح سواد میان‌کنشی در مطالعه برخورد کرده‌ام [...]" و همچنین زندگی دوم اما [این کاربرد] دل‌بخواه است. هیچ کس تاکنون در جایی که من کار می‌کنم چنین اصطلاحی را به کار نبرده است."

مطالعه‌ای که برنات به آن اشاره می‌کند از ادبیات مربوط به تمامی تولیدات رسانه‌ای که همگرایی "سواد رسانه‌ای، فصاحت اطلاعات و سواد میان‌کنشی" را تثبیت کرده‌اند به دست می‌آید. آگاهی او از سواد میان‌کنشی از ورود او در دنیای مجازی زندگی دوم ریشه می‌گیرد. اگر چه این [اصطلاح] به صورت رسمی در حیطه کاری او نمی‌گنجد.

1. directional

2. Eindnote®

او فعالیت‌های حرفه‌ای واقعی و مجازی خود را به‌سادگی از هم جدا نگه می‌دارد زیرا تجهیزات، نرم‌افزارهای گران‌قیمت و زمان لازم برای انجام این دسته از کارهای چندرسانه‌ای برای کارمندان کتابخانه مقدور نیست. "من ویدئوها را در منزل خود تهیه می‌کنم، من آن‌ها را در یوتوب قرار داده و از آن‌ها در کار خود استفاده می‌کنم. اگر من این کارها را در سر کار انجام دهم یعنی ویدئوها را ساخته و آنها را آپلود<sup>۱</sup> کنم، من باید از مجرای کمیته‌های مختلف زیادی عبور کنم که انجام این کار مدت زمان بسیار زیادی را می‌طلبد."

برخلاف مایکل که مسئول گسترش و ارائه دوره‌های درسی خود بود، برنادت به‌عنوان یک کتابدار، کلاس‌های معتبر را در یو سی دیویس تدریس نمی‌کند و بنابراین هیچ کنترلی روی جلساتی که برگزار می‌کند یا مدت زمانی که صرف ارتباط با دانشجویان می‌کند، ندارد. جلسات آموزشی وی معرفی کلی در زمینه "چه پایگاه‌هایی را داریم و چگونه در جستجوی آثار مربوط به رشته خود مهارت پیدا کنیم" را شامل می‌شود. رویکرد آموزشی یکسانی به "معرفی کتابخانه" در محتوای دوره‌های مربوط به زندگی دوم وجود دارد که طی جلسات یک ساعته فعالیت‌های مربوط به حق مؤلف در یک محیط مجازی را بیان می‌کند و طی این جلسه برنادت باید مسائل پیچیده مربوط به مهارت‌های استنادی و حق مؤلف را در درون یک محیط مجازی بیان کند. "استناد به منابع دارای حق مؤلف [مهم هستند] چون [...] اگر شما عکسی به دست می‌آورید یا ویدئویی را ضبط می‌کنید [محتوا ممکن است به فرد دیگر متعلق باشد] و شخص دیگری روی آن کار کند". برنادت عقیده دارد که برای فهم کامل عملکرد فعالیت‌های استنادی و ارجاعی در محیط چند رسانه‌ای و مجازی باید به دانشجویان فرصتی داده شود تا این گام ابتدایی را امتحان کنند: "[من ترجیح می‌دهم که] یک یا دو ساعت با دانشجویان داشته

1. upload

باشم و در خلال مدتی که آن‌ها سر کلاسند [آن‌ها باید] یک ویدئو کلیپ<sup>۱</sup> کوتاه بسازند و از خودشان بپرسند که چه می‌کنند؟ چه چیزی باید مورد استناد قرار گیرد؟" در این بخش از مصاحبه دو مطلب مهم در مورد زمینه‌ای کردن<sup>۲</sup> سواد میان‌کنشی از نظرات برنات استنباط می‌شود: اول این که زمانی که کتابدار کاربران را در محیط مجازی پشتیبانی می‌کند، انتظار دارد که آن‌ها را در مورد فعالیت‌های مربوط به حق مؤلف و استفاده صحیح نصیحت کند. و این کار فقط به این خاطر است که از کتابدار در شرایط پیش از ورود به زندگی دوم انتظار می‌رود که به افراد در مورد چگونگی اجتناب از سرقت ادبی بیاموزد، تنها تفاوت این است که در مواجهه با رسانه‌های مختلف مسائل مربوط به حق مؤلف خیلی پیچیده‌تر است "اگر شما مقاله‌ای می‌نویسید و می‌خواهید که از چیزی استفاده کنید که به وسیله حق مؤلف پشتیبانی می‌شود، شما به آسانی به آن استناد می‌کنید، اما اگر شما در یک محیط چند رسانه‌ای هستید [...] این مساله به این وضوح نیست. هر موردی بوسیله فردی ایجاد شده است و آن فرد حق مؤلف دارد. بنابراین این مسائل ضرورت شفاف‌سازی حق مؤلف برای هر مورد و یا ایجاد محتوای سه بعدی شخصی را مطرح می‌کند [...] " نکته دوم این است که مهارت برنات در زمینه زندگی دوم، "برداشت" وی از سواد میان‌کنشی را مشخص می‌کند که با مسئله حق مؤلف و استفاده قانونی در محیط مجازی و چند رسانه‌ای در ارتباط بوده و تفسیری از قوانین ارجاع و استناد که از اطلاعات کاربردی تا متنی متفاوت است ارائه می‌کند: "شما می‌گویید که در مورد زندگی دوم می‌نوشتید و در آنجا ساختمانی بود، شما واقعاً می‌توانید به آن ساختمان استناد کنید چون آن چیزی است که به وسیله فردی ایجاد شده است. در معنا مثل یک نویسنده، بنابراین وقتی افراد در مورد محیط مجازی می‌نویسند، این موارد مهم می‌شوند".

1. Video clip

2. contextualising

3. CBT

برخلاف داشتن دغدغه اجبار مالی، توسعه حرفه‌ای مداوم<sup>۳</sup> در زمینه تولید رسانه‌ها برای آماده کردن برای کار خود در یک محیط مجازی، تعهد برنات به زندگی دوم منجر به بروز برخی از پیامدهای مثبت شد. اول از همه او "مجموعه‌ای از مهارت‌هایی را که اگر یک کتابدار نداشته باشد، یک کتابدار [سنتی] خواهد بود، تدوین کرده است. کار حمایتی او در زمینه زندگی دوم باعث شده است که جایگاه جدیدی با فعالیت‌های مرتبط با دپارتمان انفورماتیک سلامت و روان‌پزشکی به وجود آید (رزلیبریز<sup>۱</sup>) و او از برخی از مهارت‌های رسانه‌ای خود به‌عنوان سخنران مدعو در برخی از بخش‌های کلاس انفورماتیک سلامت مراکز درمانی استفاده خواهد نمود و کلاس‌ها به صورت پیوسته در زندگی دوم تدریس خواهد شد.

به‌علاوه تخصص وی در زندگی دوم موجب شده تا از او برای سخنرانی در کنفرانس‌ها یا شرکت در پانل‌های بحث در مورد کتابخانه‌ها و محیط‌های مجازی هم در آمریکا و هم در سطح جهان دعوت به عمل آید. برنات همچنین منبع الهامی بود برای دو نفر از همکارانش که به صورت حرفه‌ای، بعد از شنیدن سخنان وی در باب زندگی دوم برای گروه آموزشی در یو سی دیویس در ژوئن ۲۰۰۷، در این محیط مجازی وارد شدند. " [...] مثل این‌ها که آن‌ها با استفاده از زندگی دوم به نشاط آمده بودند و یکی از آن‌ها مسئول بخش زندگی دوم انجمن کتابخانه‌ای کالیفرنیاست. آزمودن زندگی دوم شاید در مقیاس کوچکی باشد اما هنوز هم خوب است که اعضای جدید را به کار گرفت، و دوست دیگرش نیز در این زمینه ارائه‌هایی دارد. [...]"

برنات معتقد است که وجهه حرفه‌ای کتابداران نیازمند در برداشتن

1. (Rezlibris,nd)

نقش "گسترش دهنده" است تا بدین وسیله پیشنهادات مناسبی برای اساتید و دانشجویانی که محیط یادگیری مجازی را تجربه می‌کنند ارائه نمایند: من احساس می‌کنم که ما نیازمند رسیدن به جنبه خارجی رشته خود، بیش از آنچه در گذشته بوده، هستیم. [...] برای کتابداران این بسیار مهم است که در ساختن رسانه‌ها شرکت کنند و ببینند که این مسائل چه وضعیتی دارند" به عقیده وی این یک مساله مهم است و اگر کتابداران می‌خواهند به عنوان یک "دربان" شناخته نشوند باید به آن توجه کنند.

وی درک روشنی از این که یک کتابخانه میان‌کنشی چگونه باید باشد، دارد؛ به عقیده وی، این نوع کتابخانه باید فضایی باشد که در آن کارمندان انگیزه پیدا کنند و خلاقیت خود را بروز دهند و محیط نسبتاً مجازی و جدید زندگی دوم را تجربه کنند" [...] من دوست دارم فکر کنم که یک کتابخانه میان‌کنش بیش از محیطی است که ما در آن کارهای مختلف انجام می‌دهیم [...] من شاید حدود یک سوم طبقه اول کتابخانه خودمان را برداشته و آن را تبدیل به یک آزمایشگاه کنم [...] آزمایشگاهی که در آن بتوانیم دست به ابداع بزنیم [...] پیشرفت‌های رسانه‌ای و محتوایی را بررسی کرده و تجربه کنیم و آن را نه تنها به کمک کتابداران انجام دهیم بلکه عرصه را برای سایر مردم نیز بازکنیم [...] بنابراین شما با مردمی مواجه نیستید که جدا جدا کار می‌کنند. [دوست داشتم که] زمان و فضا و پول واقعاً این امر را محقق می‌کرد".

### سو جنینگز<sup>۱</sup> - کتابدار پزشکی

سو کتابدار امدادی کتابخانه و خدمات اطلاعاتی بنیاد خدمات بهداشت ملی لنکشایر<sup>۲</sup> است. وی وبلاگ کتابخانه را در نوامبر ۲۰۰۷ به منظور ارائه اطلاعات جاری در باب سلامت ذهنی ایجاد کرد و تا

1. Sue Jennings

2. Lancashire Care NHS (National Health Service) Foundation Trust Library and Information services



امروز این منبع بیش از ۲۷۰۰۰ بخش اطلاعاتی داشته است. منطقی که پشت استفاده از وبلاگ وجود دارد به چند عامل وابسته است: "من فقط یک نفر هستم، یک کتابدار حرفه‌ای و باید خودم خدمات کتابخانه را به تمامی لنگشایر معرفی می‌کردم که حدود ۳۵۰۰ کارمند در ۱۰۰ جای مختلف را دربر می‌گیرد. کتابخانه در یک بیمارستان قرار ندارد بنابراین "جا عوض کردن" مطرح نبود و اینترنت مرتبط از طرف کارمندان بسیار مورد بی‌توجهی واقع می‌شد و جای کمتری برای پیشرفت داشت."

مانند سه متخصص دیگر سو نیز در مورد سواد میان‌کنشی نشنیده بود، اگر چه او فهمید که چنین مفهومی به صورت کامل بازتاب دنیای حاضر اطلاعات و فعالیت او در محل کارش است. برای سو سواد میان‌کنشی فرصتی را برای "به دست آوردن مهارت‌های جدید و به اجرا گذاشتن آن‌ها" پدید می‌آورد. دیدگاه او درباره کتابداران ویژگی "توان انجام" را نمودار می‌کند که به وسیله مایکل استفن مطرح و شایع شد. همان‌طور که او ادعا می‌کند که "حرفه همواره در حال تکامل است [...] جستجو در باب یافتن روش‌های جدید یافتن اطلاعات و ارائه آن به مخاطب [و] تقویت و موجه کردن کاربران فناوری‌های جدید". رویکرد وی به سواد میان‌کنشی تا حدودی متأثر از تجربه حرفه‌ای او در زمینه تمایل کاربران به "خرید یکجا"<sup>۱</sup> و نیاز به دل‌بخواهی کردن<sup>۲</sup> خدمات آگاهی‌رسانی جاری از طریق دسترس از راه دور و امکانات تغذیه‌های آر.اس.اس<sup>۳</sup> است. "من به چیزهایی احتیاج داشتم که بتوانم آن‌ها را کنترل کرده، مرتباً به روز کنم. تجربه من که حاصل کار در کتابخانه‌ها بود به من آموخته بود که کاربران دوست دارند تا تمامی منابع اطلاعاتی در یک فضا گردآوری شوند. من خواستم گامی به پیش گذاشته و خدمات آگاهی‌رسانی جاری پویایی ارائه کنم [...] این دلیل تغییر مسیر من به ورد پرس<sup>۴</sup> برای میزبانی صفحات کتابخانه و اطلاع‌رسانی بود. کارمندان اکنون می‌توانند به خدمات آگاهی‌رسانی جاری از

1. Can –do  
4. RSS feeds

2. One – stop shop  
5. Wordpress

3. customise

محل کار یا خانه دسترسی داشته و یا می‌توانند مشترک پست الکترونیک به روز رسیده شوند."

معرفی وبلاگ موجب تغییرات چندی گردید. طی هجده ماه، این وبلاگ "فرهنگ چگونگی یافتن اطلاعات توسط کارمندان را تغییر داده است. [...] وبلاگ تعاملی بوده و نیازها و خواست‌های کاربران را پاسخگوست و تسریع کننده‌ای بوده است (برای کارمندان ان اچ اس) تا به افق‌های دورتر برای اطلاعات بنگرند و فعالیت‌های مبتنی بر شواهد خود را بهبود بخشند. وبلاگ نگرش‌های آن‌ها را به خدمات کتابخانه تغییر داده است. آن‌ها امروزه پی برده‌اند که چگونه این خدمات می‌توانند آن‌ها را در فعالیت‌های بالینی در ارتباط با آموزش، یافتن منابع مرتبط و به روز یاری نماید". نقل قولی از روان‌پزشک ارشدی که در تراست کار می‌کند، موفقیت خدمات و تقدیر از کارمندان ان اچ اس را متجلی می‌کند. "اگر تمامی خدمات مراقبتی لندشایر مانند کتابخانه‌اش بود ما در حال حاضر در زمره بهترین‌های جهان می‌بودیم".

وبلاگ به صورت حرفه‌ای سو را قادر به بهبود کیفیت خدمات کتابخانه نموده و این خدمات را به‌منظور پرداختن به نیازهای کاربران دور دست گسترش داده است: "من به‌صورت مداوم نیازمند توجه به این مسأله هستم که چگونه می‌توانم اطلاعات را به کارمندان تحویل داده و آن‌ها را آموزش دهم. برای کارمندانی که به آن‌ها دسترسی ندارم آموزش جست‌وجوی ویژه پیشرفته را ارائه می‌کنم [من همچنین] نظام‌ها و قالب‌های پیوسته‌ای را برای بهبود زمان پاسخ به درخواست‌ها به وجود آورده‌ام [...]". تأثیر سریع این عامل در درخواست کاربر برای اطلاعات نمایان است که سه برابر شده است چون معرفی وب‌نوشت منجر به انتصاب کارمندان کتابخانه‌ای اضافی برای برآمدن از عهده انبوه تقاضاها برای آموزش و جستجوی منابع تخصصی رشته شده است.

با این وجود مسأله‌ای که در ارتباط با به‌کارگیری فعالیت‌های سواد میان‌کنشی وجود دارد و این مسأله به‌ویژه در بخش سلامت که توجه به مسأله امنیت، از هر ملاحظه‌ای که پشتیبانی و تدارک فن‌آوری اطلاعات را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد، حادتر است. با وجود این‌که خودم ذهنیت تجربه دیواره آتش را داشتم، زمانی که در خلال یک جلسه آموزشی با کتابداران در ان.اچ. تراست در بریستول<sup>۱</sup> داشتم به‌سادگی قادر به دسترسی به یک نرم‌افزار نظر خواهی پیوسته نبودم چرا که این منبع به‌وسیله دیپارتمان فن‌آوری اطلاعات نامناسب تلقی شده بود. من کاملاً با عقاید سو در مورد هواداری از همکاری بهبود یافته بین کتابخانه و کارمندان حامی فن‌آوری اطلاعات موافقم: "ما نیازمندیم که با بخش‌های فن‌آوری اطلاعات خود از نزدیک‌تر کار کنیم [...] من شخصاً این عامل را بزرگ‌ترین مانع در مقابل پیشرفت یک کتابخانه ان.اچ.اس. می‌دانم. شبکه‌ها اغلب کند بوده و کارمندان فناوری اطلاعات کمتر با خدمات کتابخانه‌ای همدردی می‌کنند و تأثیر این عامل روی فعالیت‌های مبتنی بر شواهد، سواد اطلاعاتی و پژوهشی مورد نیاز این کارمندان مشهود است. آن‌ها هنوز هم به کتابخانه به‌عنوان مکانی که فقط برای نگهداری کتاب است می‌نگرند و گاه‌گاهی که کتابداران سواد فن‌آوری اطلاعات داشته و خواهان آزمون روش‌های جدید و نوآورانه تحویل اطلاعات هستند دچار ترس می‌شوند." قسمت آخر این نقل قول نشان‌دهنده برداشتی سنتی از کتابخانه است که انباشته از کتاب‌ها بوده و بی‌میلی به پذیرش کتابدارانی است که مایل به بهره‌برداری از فن‌آوری‌های جدید در راستای بهبود خدماتی که ارائه می‌کنند، می‌باشد.

### مارجا کینگما<sup>۲</sup> - مدیر مجموعه

مارجا یک مدیر مجموعه بخش علوم و فن‌آوری پزشکی در

1. Bristol

2. Marja Kingma

کتابخانه بریتانیاست و مسئول مجموعه‌های چاپی و الکترونیکی کتاب‌ها و نشریات و سایر منابع در قرائتخانه‌های علوم واقع در خیابان پانکراس<sup>۱</sup> است. در جایگاه یک متخصص، مارجا گفت که تا قبل از مصاحبه اصطلاح سواد میان‌کنشی را نشنیده است اگر چه پذیرفت که تعریفی که من به او ارائه کردم توصیف صحیحی از این پدیده است. فعالیت‌های حرفه‌ای او هیچ‌گونه فعالیت مربوط به سواد میان‌کنشی را دربر نمی‌گیرد به این خاطر که وی در جایگاه حاضر خود با کاربران سروکار ندارد یا ارتباطی با آموزش آن‌ها ندارد. با وجود این مارجا به‌طور کامل با فن‌آوری‌های شبکه‌سازی اجتماعی آشنا بوده و از آن‌ها به صورت مؤثر در حمایت از شبکه حرفه‌ای خود که خارج از کار خود در کتابخانه بریتانیاست، استفاده می‌کرد. برای مثال در فوریه سال ۲۰۰۹ وی به‌همراه سه تن از متخصصان اطلاعاتی دیگر لایک<sup>۲</sup> (سیستم تبادل اطلاعات و دانش لندن) را به‌منظور تدارک یک گروه بحث غیر رسمی برای کتابخانه، اطلاعات، دانش و متخصصان ارتباطی تأسیس کرد.

جلسات لایک به صورت رو در رو و ماهی یکبار و به‌صورت مجازی از طریق وبلاگ و توییتر برگزار می‌شود. به‌علاوه به‌خاطر ادعای لینکداین<sup>۳</sup> که یک شبکه حرفه‌ای پیوسته است، مبنی بر داشتن بیش از چهل میلیون عضو<sup>۴</sup>، لایک قادر است که بحث‌های منظم و پیوسته‌ای را در مورد موضوعات مورد علاقه اعضای آن برقرار نماید<sup>۵</sup>. جلسه‌ای که در می سال ۲۰۰۹ در مورد "نقش داستان‌گویی<sup>۶</sup> در اشتراک دانش" برگزار شد نمونه جالبی از تفکر موجود در لایک را نشان می‌دهد. که آن‌چه در آن ارائه می‌شود این است که تمام قالب‌های ارتباطی، نه فقط

1. St.Pancras

2. LIKE(London Information and Knowledge Exchange)

3. LinkedIn

4. <http://learn.linkedin.com/what-is-linkedin/> (Accessed: 15 Janury2009).

5. <http://www.likenews.org.uk/> (Acessed:20 May20099)

6. Storytelling

آن‌هایی که بر مبنای فن‌آوری‌های شبکه‌سازی اجتماعی هستند، باید مورد بررسی و کنترل متخصصان اطلاع‌رسانی قرار گیرد.

در این جا تفسیر دیگری از سواد میان‌کنشی مطرح می‌شود که به وسیله متخصصان اطلاع‌رسانی که این بحث خارج از حیطه حرفه‌ای آن‌هاست، به آن عمل می‌شود. در این جلسه مارجا بحث را به سمت داستان‌گویی سوق داد و از مثالی درباره کتابخانه بریتانیا و این‌که آرشیوهای صوتی آن به منظور حمایت از درخواستی مبنی بر معرفی مجدد قورباغه‌های استخر به کار گرفته شد (ریز، ۲۰۰۹).

از بحثی که در ادامه گفت‌وگو می‌آید چند نکته تلویحی استنباط می‌شود: نخست این‌که این بحث مشخص می‌کند، مجموعه‌ای که در کتابخانه بریتانیاست فراتر از مواد چاپی بوده و شامل گستره وسیعی از رسانه‌هاست که به ماهیت آن به عنوان یک مؤسسه سواد میان‌کنشی اشاره می‌شود.

دوم، بازتاب‌هایی در مورد داستان‌گویی و چگونگی استفاده از آن در زمینه کسب و کار<sup>۲</sup> باعث شد یک عضو لایک اینگونه نتیجه‌گیری کند که بی‌میلی ما در بکارگیری چنین رهیافت نوآورانه‌ای در عرصه کسب و کار مسلماً مشخص‌کننده سوگیری تثبیت شده‌ای در قبال رسانه‌های چاپی است "داستان‌ها در کسب و کار اغلب قوانین سفت و سختی را دنبال می‌کنند مانند سی.وی.ها<sup>۳</sup> مطالعات موردی و در حالی که این قوانین برای فهم ساده‌اند، پرداختن یک داستان گیرا و قانع‌کننده هنوز هم کار سختی است که نیازمند مهارت‌هایی است که هر کسی ندارد. داستان‌ها می‌توانند با استفاده از قالب‌های زیادی غیر از نثر نوشتاری ارائه شوند، مانند: ویدئوها، تصاویر، تئاتر، شاعری، شوخی، کارتون، وسایل صوتی، و غیره، و روش‌های متفاوتی متناسب با داستان و شرایط مختلف وجود دارند. با این حال عرصه کسب و کار به نظر می‌رسد از آزمودن

1. Rees

2. Business

3. CV

هر چیز دیگری غیر از نثر رسمی هراسان است (ریز، ۲۰۰۹).  
 از نظر مارجا سواد میان‌کنشی نیازمند قرار گرفتن در منظر یک سیاست ملی است. نظر او از توصیه‌هایی که توسط لین بریندلی<sup>۱</sup>، مدیر اجرایی کتابخانه بریتانیا که در پاسخ به گزارش نهایی در زمینه بریتانیای رقومی<sup>۲</sup> (دی سی ام اس،<sup>۳</sup> ۲۰۰۹) که وی در آن به بررسی استراتژی منسجم رقومی ملی دولت انگلستان می‌پردازد، الهام می‌گیرد (بریندلی، ۲۰۰۹). در این جا به نظر می‌آید که کتابخانه بریتانیا با حمایت از برخی ابتکارات شامل: "رقومی‌سازی یکپارچه محتواها" و تثبیت "سواد رقومی برای همه" نقش محوری را در ارائه یک بریتانیای رقومی دارد (بریندلی، ۲۰۰۹).

نظر مارجا در مورد کتابخانه با سواد میان‌کنشی مکمل دیدگاه بریندلی است، از این نظر که وی رقومی‌سازی گسترده منابع کتابخانه و روش‌های مختلف دسترسی را پیش‌بینی کند: "تمامی کتابخانه‌ها باید منابع الکترونیکی را به منظور همگامی با پیشرفت‌ها ارائه نمایند [و] نیازمند گسترش خدمات دسترسی از راه دور بیشتری خواهند بود. این بدین معناست که تمامی کتابخانه‌ها باید خیلی بیشتر از آنچه که امروز هست، در گسترش سواد میان‌کنشی شرکت کنند". بر خلاف این تغییرات، مارجا استدلال می‌کند که حرفه کتابداری به نقش سنتی خود به عنوان یک تدارک‌چی اطلاعات در کنار آموزش ادامه خواهد داد: "کتابداران بیشتر شبیه به مدرسان و تسهیل‌کنندگان خواهند شد اما وظیفه سنتی آن‌ها مبنی بر ارائه اطلاعات به کاربران هیچ وقت از بین نخواهد رفت."

### نتیجه

هدف اصلی در این مقاله اثبات این مطلب است که آیا سواد میان‌کنشی به دنیای متخصصان اطلاع‌رسانی نفوذ کرده است؟ و اگر چنین است آن‌ها چگونه این اصطلاح را تفسیر می‌کنند؟ دیدگاه‌های

1. Lynne Brindley

2. Digital Britain

3. DCMS

چهار متخصص اطلاع‌رسانی که در این مقاله ارائه شد نشان داد که تنها کتابدار دانشگاهی با مفهوم سواد میان‌کنشی تا قبل از برقراری مصاحبه آشنا بود. و حتی در این مورد هم دانش او از رشته‌هایی خارج از کتابداری و اطلاع‌رسانی مانند محیط‌های تولید چند رسانه‌ای و محیط‌های مجازی نشأت می‌گرفت. با این وجود، همان‌طور که به‌وسیله توصیه‌های آنها نشان داده شد، کمبود آشنایی با این اصطلاح به این معنا نیست که سواد میان‌کنشی با فعالیت‌های این متخصصان اطلاع‌رسانی عجین نشده است.

در حالی که این متخصصان موافق تعریف سواد میان‌کنشی که به‌وسیله پژوهشگران سایر رشته‌ها ترویج پیدا کرده هستند، اما «این مفهوم را بر پایه کارکردهای دیگر سواد میان‌کنشی پیاده می‌کنند. در آغاز در ارتباط با ترویج کتابخانه که به معنای برآورده شدن نیازهای اطلاعاتی کاربران آن است، تمامی این متخصصان سواد میان‌کنشی را به‌عنوان فعالیتی تفسیر کردند که بهبود و گسترش خدماتی که کتابخانه‌ها ارائه می‌کنند را مقدور می‌سازد. در این زمینه آن‌ها روی تغییر در مفهوم بر سوادهای رسانه‌ای متنوع با استفاده از وب ۲ و فن‌آوری‌های مجازی و با استفاده از ایجاد قالب‌های جدید گفت‌وگو با جوامع تحت پوشش خود، تأکید می‌کنند. برای مایکل استفن سواد میان‌کنشی هدف دوگانه‌ای دارد: به‌عنوان یک فعالیت، این امر به‌طور کامل در محتوا و ارائه واحد درسی که وی در آن فن‌آوری‌های وب ۲ را به‌خاطر ماهیت تعاملی آن‌ها در آموزش و تسهیم یادگیری، در فعالیت‌های آموزش به‌کار می‌رود و همچنین این نکته که ارتقای وضعیت کتابخانه به‌عنوان فضایی برای شبکه‌سازی اجتماعی محسوب می‌شود، آشکار است. برنادت دالی ساوسون سواد میان‌کنشی را در سوی دیگر پیوستار رسانه‌ای قرار می‌دهد و آن را با استفاده از محیط جذاب زندگی دوم و با تصور کتابخانه به

عنوان فضایی مجازی و نقش کتابدار به‌عنوان تهیه‌کننده منابع چندرسانه‌ای با تخصص عملی در مالکیت معنوی و استفاده درست، بازنمایی می‌کند. از نظر سو جنینگ سواد میان‌کنشی با استفاده از فن‌آوری وبلاگ در ارتباط است. چون این فن‌آوری فواید چندگانه‌ای از جمله ایجاد خدمات آگاهی‌رسانی پویاتر و ارتقا سطح درک کاربر از کیفیت و منابع جاری را با هدف نهایی بهبود فعالیت مبتنی بر شواهد در بخش سلامت را دارد. و نهایتاً مارجا کینگما سواد میان‌کنشی را به‌عنوان بخشی از سیاست ملی در زمینه پیشرفت رقومی که در آن رقومی‌سازی کتابخانه‌ها با افزایش دسترس از راه دور و پیوسته برای کاربران و نیاز به پیاده کردن یک برنامه "سواد رقومی برای همه" در ارتباط است. اگرچه سواد میان‌کنشی در حیطه تخصصی مارجا نیست، با این وجود، وی از فناوری‌های شبکه‌سازی اجتماعی در راستای گسترش و تثبیت شبکه حرفه‌ای غیررسمی خود در خارج از محدوده کاری‌اش کاملاً استفاده می‌کند.

منظر کتابخانه‌های سنتی به‌عنوان فضایی برای مرور کتاب‌ها به‌وسیله سواد میان‌کنشی تغییر یافته و به‌وسیله خدمات کتابخانه‌ای نظیر نقطه ذهنی<sup>۱</sup>، شاید یک دنیای بی‌نظم و در عین حال خلاق و کاربرمدار که در آن کتابخانه به‌وسیله هر فعالیتی که کاربران آن را مرتبط می‌دانند تعریف می‌شود، نمونه‌سازی شده است (نقطه ذهنی، ان دی). آنچه در این انتقال (کتابخانه سنتی به کتابخانه میان‌کنشی) ذاتی است، لزوم انطباق با یک محوطه فن‌آورانه دائماً در حال تغییر و سواد‌های چندگانه که این شرایط را ایجاد می‌کنند، می‌باشد و سپس به ایجاد یک حرفه چندوجهی کتابخانه‌ای که به زبان کاربران مختلف چندین رسانه آشناست و می‌تواند با آن‌ها تعامل برقرار کند، نیاز داریم. ممکن است در جامعه اطلاعاتی

1. Mindspot



افرادی باشند که با این تغییرات احساس خطر کرده‌اند چون خود را در جایگاهی می‌بینند که از حاشیه امنیت خود بیرون رانده شده و به‌جایی که به‌عنوان آشفته بازار می‌شناسند منتقل می‌شوند. تجارب این چهار متخصص که در این مقاله ارائه شد باید تا حدی این اطمینان خاطر را ایجاد کند که پا گذاشتن در بخش آشفته بازار سواد میان‌کنشی باید امتیازاتی در برداشته باشد.

### منابع

- Brindley, L (2009) 'Dame Lynne Brindley challenges Government on Digital Britain'. *British Library Press Room*. Available at: <http://www.bl.uk/news/2009/pressrelease20090121.html> (Accessed: 20 June 2009).
- Daley, E. 'Expanding the Concept of Literacy'. *Educause Review*, 38 (2), March/April 2003: 33-40. Available at: <http://www.educause.edu/ir/library/pdf/erm0322.pdf> (Accessed: 1 March 2009).
- Daly Swanson, B. 'Second Life *Machinima* for Libraries: the intersection of instruction, outreach and marketing in a virtual world' *Libraries for the future: Progress, Development and Partnerships*. World Library and Information Congress: 73rd IFLA General Conference and Council, 19-23 August, 2007, Durban, South Africa: 1-16. Available at: <http://archive.ifla.org/IV/ifla73/papers/133-DalySwanson-en.pdf> (Accessed: 1 March 2009).
- Department for Culture, Media and Sport (DCMS, 2009) '*Digital Britain: The Final Report*' Available at: [http://www.culture.gov.uk/what\\_we\\_do/broadcasting/6216.aspx](http://www.culture.gov.uk/what_we_do/broadcasting/6216.aspx) (Accessed: 16 June 2009).
- Fearn, H. (2008) 'Grappling with the digital divide'. *Times Higher Education*. 14 August. Available at: <http://www.timeshighereducation.co.uk/story.asp?sectioncode=26&storycode=403135> (Accessed: 15 September 2008).
- Lippincott, J.K. 'Student content creators: convergence of literacies'. *Educause Review*, 42(6) Nov/Dec. 2007: 16-17. Available at: <http://net.educause.edu/ir/library/pdf/ERM07610.pdf> (Accessed: 1 December 2008).
- 'Mindspot: the library as a Universe'. Available at: <http://www.youtube.com/watch?v=ixsOLvLSARg> (Accessed: 1 March 2009)
- Philipson, G. (2008) 'Literacy alive and well in computer age'. *The Sydney Morning Herald*, 5 February. Available at: <http://www.smh.com.au/news/perspectives/literacy-alive-and-well-in-computer-age/2008/02/04/1202090321357.html?page=2> (Accessed: 3 November 2008).

- 
- Rees, M. 'LIKE4 on storytelling', 31 May 2009. Available at: <http://hamlife.blogspot.com/2009/05/like4-on-storytelling.html> (Accessed: 22 June 2009).
- RezLibris 'HVX: Machinimista Extraordinaire' Available at: <http://www.rezlibris.com/social/librarian-profiles/351-hvx-machinimista-extraordinaire.html> (Accessed: 1 March 2009).
- Stephens M. (2008) 'Taming Technolust: Ten Steps for Planning in a 2.0 World'. *Reference & User Services Quarterly*. Available at: <http://www.rusq.org/2008/08/18/taming-technolust/> (Accessed: 31 March 2009).
- Thomas, S., Joseph, C., Laccetti, J., Mason, B., Mills, S., Perril, S., and Pullinger, K. 'Transliteracy: Crossing divides'. *First Monday*, 12 (12), 3 December 2007. Available at: <http://www.uic.edu/htbin/cgiwrap/bin/ojs/index.php/fm/article/view/2060/1908> (Accessed: 15 September 2008).